

پیگرد جنایات گروه های تکفیری در محاکم بین المللی؛ راهکار مقابله با تروریسم تکفیری

پیگرد جنایات گروه های تکفیری در محاکم بین المللی؛ راهکار مقابله با تروریسم تکفیری

حمید رضا قنبري نژاد اصفهاني[1]

چکیده مقاله:

راهکارهای عبور از بحران معمولاً گزینه هایی چند بعدیند. در موضوع عبور از بحران تروریسم تکفیری، از جمله ابعادی که در کنار دیگر ابعاد (نظامی، سیاسی و...) دارای نقش حیاتی است بعد حقوقی و به عبارت دقیق تر تبیین و بررسی ابعاد پیگرد حقوقی جنایات گروه های تکفیری است. با عنایت به عمق جنایات و اقدامات افراطی گروه های تکفیری در طی سالیان اخیر، عمده ترین سؤالی که می تواند قویا اذهان و افکار عمومی را به سمت خود جلب کند این است که آیا در راستای برون رفت از بحران تروریسم تکفیری، نهادی در چارچوب نظامات بین المللی موجود وجود دارد که اعضاء این گروه ها را تحت تحقیق و محاکمه قرار دهد؟ چنان چه پاسخ به سؤال مذکور مثبت باشد سؤال دیگر آن است که در چارچوب نظام کیفری بین المللی چه ساز و کارهایی می تواند عهده دار راهبري هدف مذکور شود؟ در پاسخ به این سؤالات باید گفت پس از تأسیس دیوان کیفری بین المللی (ICC) در سال 2002 این امکان به خوبی در سطح بین المللی فراهم گردیده که تمامی مرتکبین جنایات بین المللی، در هر سمت و جایگاهی که باشند مورد

تعقيب، محاکمه و مجازات فرار گیرند. با نگاهی به اقدامات صورت گرفته از سوی گروه های تکفیری می توان گفت، از 4 موضوعی که دیوان خود را صالح به رسیدگی بدان ها دانسته، به طور مشخص در 3 موضوع می توان اقدامات این گروه ها را مورد پیگرد قرار داد؛ این موارد عبارتند از: «نسل کشی»، «جنایات علیه بشریت» و «جنایات جنگی». پرداختن به این موضوع از آن جهت ضرورت دارد که در راستای تحقق آموزه ی همگرایی جهان اسلام و امت اسلامی، تبیین و تحلیل ادله و ابعاد پیگرد گروه های تکفیری در محاکم بین المللی از یک سو و متعاقب آن مهیا سازی بستر اقدامات عملی (مبتنی بر همکاری افراد و نهاد های ذی صلاح) از دگر سو، تأثیر به سزایی در توقف رفتار مجرمانه و بازدارندگی و پیشگیری از تکرار فجایع صورت گرفته به همراه خواهد داشت.

واژگان کلیدی: گروه های تکفیری، دیوان کیفری بین المللی، نسل کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی، مجازات

Prosecution of crimes Excommunicating groups in the international courts

approach to deal with Excommunicating terrorism

Abstract:

With regard to the crimes Excommunicating groups in recent years, the most important question that can strongly attracted the attention of public opinion, is whether the

existing international framework, institutional there The members of these groups as a war
criminal pursuing and the trial?

In response to this question must be said that, after the establishment of the International
Criminal Court in 2002 made it possible, as well as at the international level provided that
all perpetrators of international crimes, in any direction and position are prosecuted,
tried and punished fall.

Looking at the measures taken by excommunicating groups can be said, from the 4 to the
competent Court to review it and consider, in particular in the 3 categories can be
prosecuted for the actions of these groups, that are cases : genocide, crimes against
humanity and war crimes.

The present article will try, first, to explain the reasons and dimension the criminal
prosecution of Excommunicating groups and secondly, the quality of cooperation with other
countries in this field to examine.

Keywords: Excommunicating groups, the International Criminal Court, genocide, crimes against
humanity, war crimes, punishment

مقدمه

فرقه سازي و ايجاد درگيري هاي درون ديني و درون مذهبي سياسي است که سال هاست از سوي نظام سلطه
جهت براندازي و ناکارآمد نشان دادن دولت هاي مستقل اسلامي، در دستور کار قرار گرفته است؛ با اين
توضیح که اين نظام به جاي تمرکز بر روي گزینه هاي نظامي و استفاده از «قدرت خارجي سخت»، تاکتيک
اصولي خود در تقابل با دولت هاي مستقل را در کنار «جنگ نرم»، «متلاشي ساختن فيزيکي از درون» تشخيص

داده که مهم ترین ابزار آن اختلاف افکنی بین آحاد یک ملت، [2] یک مذهب و یا یک دین است. در واقع بر اساس این تاکتیک، نظام های مستقل از داخل با بحران عدم توانایی اداره ی امور و عدم مشروعیت و به عبارت دقیق تر «حقانی نبودن» مواجه شده و آرام آرام به سمت اضمحلال پیش خواهند رفت. البته بدیهی است موفقیت چنین سیاستی در گرو حمایت های مستقیم و غیر مستقیم نظام سلطه و بازیگران منطقه ای آن است؛ که این موضوع را به خوبی می توان در تحولات میدانی عراق و سوریه مشاهده نمود.

اما در واکاوی دلیل اصلی سنگ اندازی در مسیر حرکت دولت های همچون سوریه و عراق به این نتیجه خواهیم رسید که پس از موج بیداری اسلامی در منطقه ی شمال آفریقا و خاورمیانه، از طرف برخی کشورهای غربی که نگران از دست دادن موقعیت خود در این منطقه بودند تلاش فزاینده ای جهت مصادره و بعضا انحراف این حرکت ها از مسیر اصلی صورت گرفت؛ که مصداق بارز مصادره ی یک انقلاب را می توان در تحولات سال های اخیر مصر مشاهده نمود.

از سوی دیگر یکی از اقداماتی که می توانست در این اوضاع و احوال شرایط را به نفع نظام سلطه رقم زند سوار شدن بر موج حاصل از فضای بیداری اسلامی و توسعه ی آن به سمت کشورهای بود که سیاست هایشان همسو با این نظام نیست؛ که اولین قربانی این فضا سازی کشور سوریه بود.

پس از ناکامی های این نظام در سوریه و شکست سناریوهای متعددی که در قالب چندین اجلاس موسوم به «دوستان سوریه» و... بر آن تحمیل شد، این بار نوبت به کشور عراق رسیده است؛ کشوری که اکثریت جمعیت آن را شیعیان تشکیل داده و به جهت دارا بودن بیشترین زیارت گاه های ائمه(ع) کانون توجه شیعیان جهان است.

نظام سلطه به خوبی دریافته که برای تضعیف روحیه ی «مقاومت اصیل اسلامی» لازم است در وهله ی اول دو بال پرواز شیعه را از او بازستاند؛ یعنی شهادت و اعتقاد به مهدویت، که اولی باعث ایستادگی آرمانی شده و دومی جریان امیدبخش برای پیمودن راه است.

این صرفا یک نظر شخصی نیست؛ بلکه باور است که غرب به آن رسیده و در بیان بسیاری از نظریه پردازان غربی واگویی شده است. «فرانسیس فوکویاما» [3] (یکی از بزرگ ترین نظریه پردازان حال حاضر آمریکا) در کنفرانسی در سال 1986.م در اورشلیم تحت عنوان «بازشناسی هویت شیعه» که توسط صهیونیست ها برگزار شد می گوید: «شیعه پرنده ایست که افق پروازش خیلی بالاتر از تیرهای ماست. پرنده ای که دویال دارد؛ یک بال سبز و یک بال سرخ. بال سبز این پرنده همان مهدویت و عدالتخواهی اوست. چون شیعه در انتظار

عدالت به سر می برد، امیدوار است و انسان امیدوار هم شکست ناپذیر است. شما نمی توانید کسی را تسخیر کنید که مدعی است فردی خواهد آمد که در اوج ظلم و جور، دنیا را پر از عدل داد خواهد کرد. بال سرخ شیعه، شهادت طلبی است که ریشه در کربلا دارد و شیعه را فنا ناپذیر کرده است».[4]

با این وصف در حال حاضر عمده تلاش جهان غرب تضعیف جریان اصیل اسلامی و تقویت فرقه های ساختگی و جریان هایی است که ضمن نشان دادن چهره ای کریم و خشن از اسلام، مطیع سیاست های ملوکانه ی نظام سلطه بوده و علاوه بر آن با اقدامات جنایت باری نظیر آنچه در سوریه و عراق شاهد بوده و هستیم عرصه را بر کشورهای که زیر بار زیاده خواهی های این نظام نمی روند تا حد امکان تنگ تر نمایند.

«گروه های تکفیری»[5] و در رأس آن «داعش» دقیقاً با چنین رویکردی پا به عرصه ی حیات گذارده اند؛ کما این که پیش از آن نیز «طالبان» این وظیفه را بر عهده داشتند (داستان جنایات علیه مسلمانان در فلسطین، بوسنی، کوزوو، میانمار، یمن، جنایات گروه «بوکوحرام» در نیجریه و... نیز خود شرح حالی مفصل دارد که این مقال را مجال پرداختن بدان نیست).

در این راستا آن چه می تواند به هدف راهبردی کشورها و ملت های آزاده مبدل گردد مقابله ی اصولی با رواج چنین تفکراتی است و طبعاً برای نیل بدین هدف، مهم ترین اقدام در هر جامعه ای (اعم از داخلی و بین المللی) علاوه بر تلاش در جهت محدود نمودن و نهایتاً از بین بردن زمینه های اقدامات مجرمانه و جنایت کارانه، مجازات قاطع مرتکبین جرم است؛ که این خود تأثیر به سزایی در توقف رفتار مجرمانه و بازدارندگی خواهد داشت و از این منظر، ضرورت پرداختن به موضوع حاضر به وضوح احساس می شود.

مخلص کلام این که آثار زیان بار عدم همکاری در جهت مقابله با گروه های تکفیری و از آن بدتر تقویت و تجهیز این گروه ها توسط برخی دولت های منطقه می تواند روزی گریبان گیر خود آن ها نیز شده و لذا لازم است این دولت ها طی یک همگرایی منطقه ای تمام تلاش خود را معطوف مقابله با جنایات سازمان یافته ی این گروه ها و همکاری جهت پیگرد و مجازات آنان نمایند.

بر این اساس در کنار عدم حمایت های مادی و معنوی از جریانات تکفیری، همکاری منطقه ای در جهت استرداد و محاکمه ی این جنایت کاران در محاکم صالحه (محاکم داخلی و یا بین المللی) می تواند نمود بارز و بهترین جلوه ی یک همگرایی منطقه ای در جهت پایان بخشی به اقدامات گروه های تکفیری باشد (که کیفیت آن در بخش های بعدی بیان خواهد شد).

با عنایت به آن چه بیان شد، سوال اصلی این مقاله آن است که چگونه می توان از رهگذر محاکمه ی مرتکبین جنایات گروه های تکفیری، به برون رفت از بحران سازی های موجود و برقراری صلح و امنیت در سطوح منطقه ای و بین المللی همت گماشت؟

لازم به ذکر است رویکرد این مقاله در صورت تحقق فرضیه ای است که بر مبنای آن دیوان کیفری بین المللی صلاحیت خود را در زمینه ی پیگرد گروه های تکفیری در دیوان بپذیرد؛ که با توجه به عمق جنایات صورت گرفته و ادله ی موجود در این زمینه، در صورت ارجاع پرونده به دیوان، پیگرد گروه های تکفیری در دیوان کاملاً اصولی و منطبق با موازین حقوقی به نظر می رسد.

گفتنی است «شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد»، «کمیته بین المللی صلیب سرخ» و برخی سازمان های معروف غیر دولتی بین المللی مانند «دیده بان حقوق بشر» در گزارش های متعددی ارتکاب جنایت توسط داعش را تأیید کرده اند؛ که این امر می تواند به عنوان دلیل محکمی بر ورود دیوان به قضیه، مورد توجه قرار گیرد. [6]

با چنین رویکردی مقاله ی حاضر تلاش خواهد نمود اولاً به تبیین ادله و ابعاد پیگرد کیفری گروه های تکفیری پرداخته و ثانیاً کیفیت همکاری کشورهای جهان در این زمینه را مورد بررسی قرار دهد.

1- بررسی صلاحیت دیوان کیفری بین المللی جهت پیگرد جنایات گروه های تکفیری

نظر به عمق جنایات گروه های تکفیری و به ویژه داعش در طی سالیان اخیر، عمده ترین سؤالی که می تواند قویاً اذهان و افکار عمومی را به سمت خود جلب کند این است که آیا در چارچوب نظام بین المللی موجود، نهادی وجود دارد که اعضاء این گروه ها را به عنوان جنایت کار جنگی تحت تعقیب و محاکمه قرار دهد؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت تا پیش از تأسیس «دیوان کیفری بین المللی» [7] تعقیب و مجازات مرتکبین جنایات بین المللی (و گروه هایی همچون گروه های تکفیری و از جمله داعش) بسیار مشکل و در اکثر موارد دور از ذهن بود؛ چرا که تا این زمان در چارچوب نظام ملل متحد، فقط دو دادگاه بین المللی برای رسیدگی به جرائم و جنایات ارتکاب یافته در یوگسلاوی سابق و رواندا تشکیل شده بود؛ [8]

لكن پس از تأسيس ديوان كيفري بين المللي در سال 2002 اين امكان به خوبي در سطح بين المللي فراهم گرديد كه تمامي مرتكبين جنايات بين المللي، در هر سمت و جايگاهي كه باشند مورد تعقيب، محاكمه و مجازات قرار گيرند.

البته ديوان بر اساس آن چه در اساسنامه ي آن بيان گرديده، در حال حاضر صلاحيت ورود به هر جرم بين المللي را نداشته و صرفا صلاحيت رسيدگي به جرائم خاصي را داراست كه عبارتند از: نسل كشي، جنايات عليه بشريت، جنايات جنگي و تجاوز.

با نگاهی به اقدامات صورت گرفته از سوي گروه هاي تكفيري مي توان گفت، از 4 موضوعي كه ديوان خود را صالح به رسيدگي بدان ها دانسته، به طور مشخص در 3 موضوع مي توان اقدامات اين گروه ها را مورد پيگرد قرار داد؛ كه شرح مختصر آن در ذيل بيان خواهد شد:

1-1- نسل كشي

در ماده ي 6 اساسنامه ي ديوان كيفري بين المللي كه مي توان آن را بازنويسي ماده II «كنوانسيون منع و مجازات جرم نسل كشي» [9] دانست، از جمله مصاديق نسل كشي «كشتن اعضاي يك گروه ملي، قومي، نژادي يا مذهبي» بيان شده است.

با توجه به اين كه گروه هاي تكفيري و در حال حاضر داعش، صراحتا از جمله اهداف اصلي و راهبردي خود از جنايات و كشتار بيرحمانه اي كه طی ماه هاي اخير در حال وقوع است را مقابله و از ميان برداشتن شيعيان و تفكرات شيعي بيان داشته اند مي توان اين هدف را در چارچوب «كشتن اعضاي يك گروه مذهبي» قرار داده و به عنوان يكي از مصاديق نسل كشي از طرف ديوان مورد پيگرد قرار داد.

اين گروه حتي در اين راه تا بدان جا پيش رفته كه اعلام نموده است يكي از اهداف هدف عاليش تخریب مضجع شريف امام حسين(ع) به عنوان سمبل ايستادگي شيعه است.

لازم به ذكر است براي تحقق جرم نسل كشي لزوماً نيازي به گسترده گي عمليات و كشتن جمعيتي معتنبي به نيست؛ بلكه حتي كشتن يك نفر به قصد و انگيزه ي از بين بردن كلي يا جزئي يك گروه مذهبي هم مي

تواند عناصر این جرم را کامل نموده و جرم را محقق سازد. [10]

2-1- جنایات علیه بشریت

ماده 7 اساسنامه ی دیوان کیفری بین المللی مجموعاً 11 مورد از اقدامات ضدبشری را در زمره ی جنایات علیه بشریت قرار داده که با توجه به رویه ی داعش می توان به گونه ای کاملاً مشخص این گروه را مشمول این فقره دانست.

از جمله ی این موارد «قتل» است؛ با این توضیح که قتل زمانی می تواند به عنوان یکی از جرائم علیه بشریت محسوب شود که در قالب حمله ای گسترده و به گونه ای سیستماتیک و برنامه ریزی شده، در راستای پیگیری سیاست یک دولت یا گروه سازماندهی شده ارتکاب یابد.

چنان که ملاحظه می گردد بر خلاف نسل کشی که می توانست حتی با کشتن یک نفر هم – با قصد و انگیزه ی از بین بردن کلی یا جزئی یک گروه – محقق شود، این جا اعمال مجرمانه ای که شخصی به صورت انفرادی انجام می دهد و یا عملیات سیستماتیک که مثلاً یک قربانی را در بر گیرد، جنایت علیه بشریت محسوب نمی شود.

به هر روی اقدامات متعدد داعش در چارچوب این جرم نیز به گونه ای واضح و میرهن مطرح بوده و تصاویر و گزارش های متعددی در رسانه های جمعی در مورد قتل های دسته جمعی سیستماتیک این گروه وجود داشته که می تواند مسؤولیت این گروه را از این زاویه مطرح سازد.

بند 2(c) ماده 7 یکی دیگر از مصادیق جنایات علیه بشریت را «به بردگی گرفتن» دانسته است.

البته اگر بخواهیم معنای کلاسیک بردگی را در نظر آوریم به گونه ای صریح و واضح نمی توان اقدامات داعش و دیگر گروه های تکفیری را جرم یا جنایت به حساب آورد؛ چون بردگی عبارتست از خرید، فروش، اجاره دادن و یا معاوضه ی زنان و کودکان و دیگر اشخاص، که به انگیزه های مختلفی صورت می گیرد.

لکن این گروه و دیگر گروه های تکفیری اخیرا با استفاده ی ابزاری از آموزه های دینی و تحریف مسلمات قرآنی سعی در ترویج نوعی «بردگی جنسی» در پوشش دین داشته و از نهاد خودساخته ای تحت عنوان «جهاد نکاح» جهت ارضای نیازهای نیروهای خود بهره ی فراوانی برده اند.

واقعیت این است که جهاد نکاح نوعی بردگی جنسی نوین به شمار آمده و چنان چه بخواهیم اهداف متعالی برشمرده شده در راستای لغو بردگی را در نظر آوریم مسلما این گونه اقدامات را می توان نمونه ی بارز بردگی و از زشت ترین انواع آن به شمار آورد.

البته شعبه ی بدوی دیوان کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق نیز در رابطه با احصاء مؤلفه های به بردگی گرفتن، از جمله مصادیق آن را «فحشاء» ذکر نموده است؛ [11] که شاید بتوان گفت ترویج فحشاء در قالب تحریف آموزه های دینی زشت ترین حالت ممکن در این رابطه باشد.

در بند 2(e) ماده 7 اساسنامه ی دیوان نیز از «شکنجه» به عنوان یکی دیگر از مصادیق جنایات علیه بشریت یاد شده است. دیوان در این بند شکنجه را این گونه تعریف می نماید: «ایراد عمدی درد یا رنج شدید، اعم از جسمی یا روحی، علیه شخصی که در بازداشت یا تحت کنترل متهم قرار دارد».

از دیگر مصادیق جنایات علیه بشریت که در این ماده مورد توجه قرار گرفته «تخریب محیط زیست» است؛ که با توجه

با این وصف همان گونه که در مستندات متعدد مشاهده گردیده و اسناد، تصاویر و فیلم های آن بر روی شبکه های مختلف پخش شده است مواردی همچون بریدن سر افراد در حالتی که زنده اند، تنبیهات شدید بدنی (حتی در مورد کودکان خردسال) و... از مصادیق بارز شکنجه محسوب گردیده و لذا از این بعد نیز امکان پیگرد داعش در دیوان وجود خواهد داشت.

3-1- جنایات جنگی

از منظر اساسنامه ی دیوان (که در ماده ی 8 منعکس شده است) جنایات جنگی به طور خلاصه عبارتست از عدم توجه و رعایت مقررات مندرج در کنوانسیون های مربوط به حقوق بشر دوستانه و به طور خاص

کنوانسیون های چهارگانه ی ژنو (1949) و پروتکل های الحاقی (1977) در رابطه با کیفیت برخورد با غیر نظامیان و نیز کنوانسیون های لاهه (1907) با موضوع عدم به کارگیری سلاح های ممنوعه و مواردی از این دست.

این فقره نیز در جنایات صورت گرفته از جانب داعش قویا نادیده گرفته شده و مواردی همچون کشتار دسته جمعی اسرا و کسانی که سلاح خود را زمین گذاشته اند، کشتار زنان و کودکان، منله کردن اعمال شنیع علیه شرافت شخصی، رفتار تحقیرکننده و مواردی از این دست که همگی از مصادیق جنایات جنگی به شمار می روند در کارنامه ی این گروه به چشم می خورد.

از دیگر مواردی که در اساسنامه ی دیوان تحت عنوان جنایات جنگی ملحوظ واقع گردیده «حمله به آثار تاریخی» است که ارتکاب این فقره نیز به کرات در اقدامات گروه های تکفیری مشهود است.

2- نحوه ی ارجاع پرونده به دیوان کیفری بین المللی

در این رابطه لازم است نهادهای ذیصلاح؛ یعنی هر یک از دول عضو دیوان، [12] یا دادستان دیوان [13] و یا شورای امنیت سازمان ملل متحد [14] در اقدام حقوقی عاجل و به دور از بازی های سیاسی، با به جریان انداختن این پرونده با رویکردی حقوقی، نقش خود در زمینه ی برقراری صلح و امنیت بین المللی را به گونه ای شایسته ایفا نمایند.

البته لازم به ذکر است کشوری می تواند با ارجاع وضعیت به دادستان دیوان از وی تقاضای رسیدگی کند که اساسنامه ی دیوان را پذیرفته باشد و از آن جایی که کشور عراق هنوز به عضویت اساسنامه ی دیوان در نیامده ممکن است این موضوع به ذهن متبادر شود که امکان مراجعه به دیوان برای عراق وجود نخواهد داشت، لکن این موضوع لطمه ای به آن چه بیان شد نخواهد زد؛ چرا که ترتیبات همکاری این کشور با دیوان در ماده ی 12 اساسنامه (و دیگر مواد آن) بیان گردیده و طبق این ماده کشور عراق می تواند با سپردن اعلامیه ای نزد رییس دبیرخانه، اعمال صلاحیت دیوان را نسبت به جنایت مورد نظر بپذیرد.

همچنین دادستان دیوان کیفری بین المللی و نیز شورای امنیت سازمان ملل متحد (همزمان یا به صورت جداگانه) می توانند بر اساس وظایف خود در این زمینه اقدام به پیگرد پرونده ی مطروحه نمایند.

3- کیفیت مجازات گروه های تکفیری در چارچوب دیوان کیفری بین المللی

سؤال عمده ای که در این قسمت می تواند مورد توجه قرار گیرد آن است که در صورت محاکمه ی گروه های تکفیری، کیفیت مجازات هایی که برای افراد این گروه (اعم از سرکردگان، نیروهای در اختیار و تجهیز کنندگان) ممکن است در نظر گرفته شود چگونه خواهد بود؟

در این رابطه باید گفت دیوان کیفری بین المللی نیز همچون بسیاری از نظام های حقوقی داخلی، بین مباشرت و معاونت و برخی موارد دیگر تفکیک قائل شده و طبعاً برای مباشرین مجازات های سنگین تری را در نظر گرفته است.

ماده ی 25 اساسنامه ی دیوان بیان می دارد اولاً این دیوان فقط به جرائم «اشخاص حقیقی» رسیدگی می نماید و بنابراین اشخاص حقوقی (مثل دولت، گروه، سازمان و مواردی از این دست) در حوزه ی صلاحیتی دیوان قرار نمی گیرند و ثانیاً به موجب ماده ی 26 اساسنامه ی دیوان، صرفاً آن دسته از اشخاص حقیقی مورد پیگرد دیوان قرار می گیرند که دارای 18 سال سن به بالا باشند که این موضوع در مورد داعش نیز می بایست مورد توجه قرار گیرد.

بنابراین امکان پیگرد شخصیت حقوقی به نام داعش در دیوان وجود نداشته و صرفاً می توان تک تک افراد بالای 18 سال این گروه تکفیری را با استناد به رفتارهای مجرمانه ی تحت صلاحیت دیوان، تحت تعقیب و محاکمه قرار داد. با این وصف، طبق مفاد ماده ی 25 اساسنامه، دیوان می تواند افراد فوق الذکر را در صورت حصول یکی از صور چهارگانه ی ذیل مورد پیگرد قرار دهد:

1 . در ارتکاب یکی از جرائم داخل در صلاحیت دیوان مباشرت داشته باشند؛

2 . شروع به ارتکاب این جرائم نموده باشند؛

3 . در آن ها شرکت یا معاونت داشته باشند؛

4 . در ارتکاب جرم توسط گروهی از اشخاص که دارای هدفی مشترکند نقش داشته باشند.

4- مجازات هر یک از مباشرین، معاونین یا شرکت کنندگان در جرم

باید گفت با توجه به این که هنوز رویه ی چندانی در این باره وجود ندارد نمی توان نظر فاطعی در این باره داد و فقط می توان بر این امر تأکید نمود که تشخیص و تعیین میزان مجازات منوط به نظر اکثریت قضات دیوان است؛ لکن بر اساس رویه ی محاکم قبلی (مثل یوگسلاوی سابق و رواتندا) در صورت اثبات جرائمی مثل نسل کشی، دیوان حداکثر مجازات (حبس ابد) و یا حبس های طویل المدت را برای مرتکبین در نظر خواهد گرفت و برای سایر موارد حبس های کوتاه مدت تر، ضمن آن که معاونت در جرم مجازات خفیف تری به همراه خواهد داشت.

البته گروه های تکفیری در موارد متعددی مرتکب تعدد جرم هم گردیده اند؛ مثلاً برخی اقدامات صورت گرفته می تواند هم مصداق جنایات علیه بشریت قرار گیرد و هم مصداق جنایات جنگی. این در حالیست که در حقوق داخلی برخی کشورها (و از جمله ایران) تعدد جرم باعث اجرای مجازات اشد می گردد. لکن دیوان کیفری بین المللی موضع روشنی در برابر «تعدد جرم» - به مفهومی که در کشور ایران و دیگر کشورهای نظام حقوق نوشته وجود دارد - اتخاذ ننموده و به نظر می رسد آن را نپذیرفته است. البته در ماده 78 اساسنامه این گونه آمده است که: «در مواردی که محرز شده محکوم علیه بیش از یک جرم مرتکب شده است، دیوان موظف است برای هر یک از جرائم مذکور مجازات جداگانه و برای همگی آن ها یک مجازات کلی که مبین جمع مدت حبس ها باشد تعیین نماید...». لذا باید هر جرم به صورت مجزا مورد توجه قرار گرفته و در مورد آن مجازات مقرر در نظر گرفته شود.

لازم به ذکر است به جهت ملاحظات حقوق بشری، در حال حاضر مجازات اعدام در زمره ی مجازات های احصاء شده در دیوان قرار نداشته و سنگین ترین مجازات همان حبس ابد است. [15]

5- نقش کشورهای جهان در مقابله با جریان های تکفیری

اساسنامه ي ديوان كيڤري بين المللي عليرغم اين كه در ديباچه ي خود مسؤوليت اصلي مجازات و كيڤردي به جنايت كاراني همچون اعضاء گروه هاي تكڤيري را متوجه دولت ها نموده است، در ادامه و در سطحي گسترده تر خواستار تلاش و همكاري بين المللي در اين زمينه شده است.

البته كشورهاي همسايه ي عراق و سوريه در ارتباط با ديوان به 2 گونه مي توانند متصور شوند: كشورهاي عضو اساسنامه ي ديوان و كشورهاي غير عضو اساسنامه .

ديوان علاوه بر اين كه در مواد 86 تا 93 اساسنامه (موضوع فصل نهم؛ تحت عنوان: همكاري هاي بين المللي و همياري هاي قضايي) تكاليف متعددي را براي كشورهايي كه عضو اساسنامه اند، در رابطه با فراهم نمودن مقدمات محاكمه ي گروه هاي تكڤيري برشمرده است، براي آن دسته از كشورهايي كه به عضويت اساسنامه در نيامده اند نيز تكاليف متعددي را برشمرده است.

به موجب بند 5 ماده ي 87 اساسنامه ديوان، دادگاه مي تواند از هر يك از كشورهايي كه عضو اساسنامه ي ديوان نيستند تقاضي كمك و همكاري نمايد.

عدم همكاري اين كشورها با دادگاه تا بدان حد از نظر ديوان مسؤوليت زاست كه در بند 6 ماده ي 87 بيان مي دارد عدم همكاري با ديوان مي تواند به اطلاع مجمع كشورهاي عضو و عند الزوم شوراي امنيت نيز برسد (البته در صورتي كه موضوع توسط شوراي امنيت ارجاع شده باشد).

از جمله تكاليفي كه در اين رابطه مي تواند بر عهده كشورهاي همسايه ي عراق و سوريه قرار گيرد تسليم يا استرداد اعضاي گروه هاي تكڤيري است و در اين رابطه فرقي ميان دولت هاي عضو و غير عضو اساسنامه وجود ندارد؛ چرا كه در بند 1 ماده ي 89 بيان مي گردد: «دادگاه مي تواند درخواستي مبني بر دستگيري و تسليم شخص... به هر كشوري كه اين شخص ممكن است در قلمرو آن پيدا شود ارسال نمايد...».

از مجموع آن چه بیان شد می توان این گونه نتیجه گیری نمود که با عنایت به گستره و کیفیت اقدامات صورت گرفته از سوی گروه های تکفیری، ادله ی ارجاع پرونده ی جنایات این گروه ها به دیوان کیفری بین المللی کامل بوده و در جهت نیل به اهدافی که در مقدمه بیان شد، لازم است هرچه سریع تر مقدمات محاکمه ی مرتکبین جنایات یاد شده از سوی دیوان فراهم گردد.

مسئله تحقق این مهم نیازمند عزم جدی جامعه ی بین المللی (دولت ها و سازمان های بین المللی ذی صلاح) و مقامات ذی صلاح (دادستان دیوان) و هماهنگی کامل ایشان در این رابطه است.

این در حالیست که مع الأسف برخی از دولت ها نه تنها همکاری یا اقدام مؤثری جهت مقابله با جریان های تکفیری صورت نداده اند، بلکه حتی اقدام به تجهیز این جریان ها (از طریق اعطای کمک ها و تسهیلات مالی، آموزش و...) نیز نموده اند و در چنین فضایی لزوم همکاری دیگر کشورهای منطقه بیش از پیش احساس می شود.

البته برخی از حامیان منطقه ای و فرامنطقه ای این گروه ها اخیراً در مواضع خود سعی دارند به گونه ای خود را از این جریان ها جدا سازند؛ لکن باید گفت واقعیت های موجود هیچ گاه از حافظه ی تاریخ محو نخواهد شد.

به هر حال آنچه مسلم است این که تا حمایت های مستقیم و غیر مستقیم برخی دولت های مرتجع منطقه وجود نداشته باشد امکان بقاء و تداوم حیات جریان های تکفیری وجود نخواهد داشت و جالب این جاست که این دولت ها منکر هرگونه همکاری با جریان ها یاد شده هستند. در پاسخ به این ادعا فقط می توان به ذکر این بیت پر مغز و شیوا از جناب سعدی شیرازی بسنده نمود که:

«امیدوار بود آدمی به خیر

مرا به خیر تو امید

کسان

نیست شر مرسان»

[1]. پژوهشگر و دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه تهران (ایمیل: com.yahoo@8_isfahani تلفن:

09154291157)

[2]. ر.ک: بیانات حضرت آیت اعلیٰ خامنه ای در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی در سال 1391.

<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=21966>)

3. Yoshihiro Francis Fukuyama

<http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=1469744>.

[5]. گروه های تکفیری به گروه هایی اطلاق می شود که با تفاسیر شخصی و برداشت های ناروا از آموزه های دینی و نیز طرح شعارهای جدایی طلبانه و تفرقه افکنانه سعی در تحریف دین، مقابله با تفکر ناب اسلامی و نیز ترسیم جلوه ای خشن از اسلام در نزد جهانیان دارند.

5. <http://www.irna.ir/fa/NewsPrint.aspx?ID=81215644>

6. International Criminal Court (ICC).

[8]. لازم به ذکر است پس از پایان جنگ جهانی اول (1945.م) نیز دو محکمه ی «توکیو» و «نورنبرگ» با هدف محاکمه و مجازات مقامات دول مغلوب تشکیل گردید؛ که طی آن چندین نخست وزیر، وزیر امور خارجه، وزیر جنگ و مقامات عالیرتبه ی نظامی، محاکمه و مجازات شدند که در این میان – فارغ از حبس های طویل المدت – فقط 19 مورد حکم اعدام به چشم می خورد.

[9]. مصوب نهم دسامبر 1948 مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

[10]. میر محمد صادقی، حسین. دادگاه کیفری بین المللی. تهران: دادگستر، 1392. ص 93.

10. ICTY, Kunarac and Others, Paras 242-243.

(ر.ک: مير محمد صادق، حسين، همان. ص 114).

[12]. به موجب ماده 14 اساسنامه ديوان.

[13]. به موجب ماده 15 اساسنامه ديوان.

[14]. به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد و ماده 13 اساسنامه ديوان.

[15]. ر.ک: ماده 77 اساسنامه ديوان كيفري بين المللي.